

فرب و اغواء گری پاکستان در قبال کشور ما پیگیرانه دنبال میشود!

میگویند در سیاست دوست و دشمن دایمی وجود ندارد. اساس سخن و مطلب و معیار در مصالح و منافع است. اینکه کی با کی در کدام مراحل و در کدام موارد و چی چیزی منافع و مصالح مشترک دارد، تعیین کننده میباشد. به فهم من این فورمول به ذات خود کدام مشکل اساسی ندارد و قابل فهم نیز است. مشکل زمانی بروز میکند که این مصالح و منافع غیر انسانی باشند. بلی اصل مصلحت و منفعت خوب و انسانی همان منفعت است که در منافات به منفعت و مصلحت مشروع ثالث قرار نگیرد. مصلحت و منفعت شخص و یا مجموعه ثالث را تلف نکند. اینکه عزت، شرف و آبادی خویش را در بی عزتی، بی حرمتی و خرابی دیگری جستجو کنند ایجادگر مشکل، غیر قابل قبول و غیر انسانی است.

مسلم این است که مردم پاکستان و مردم منطقه در طول تاریخ با تمدن، فرهنگ و تاریخ مشترک درین خطه زندگی کرده اند، کارنامه ها و تاریخ فرهنگی مشترک دارند. جدا کردن این افتخارات و دست آورد های خوب مشترک تقریباً ناممکن است. اما روش و عمل کرد های دولتی به نام پاکستان مانند غده سرطانی که عمرش حتی کمتر از یک قرن است در تمام مدت موجودیت خویش مشکل افزاء و مصیبت بار برای ملت خود، منطقه و امر صلح بوده و است. مردم ما درین راستا بیشتر از همه ضرر دیده و قربانی داده اند.

بلی کشوری به نامی پاکستان کشوری است که بر سر زمین بیگانه به صورت غیر طبیعی مانند حایلی بین آبر قدرت های وقت ایجاد شده و حکمای این کشور از همان آغاز بوجود آمدن خویش مانند یک پدیده نامیمون سبب قتل، غارت و کشتار های بیرحمانه انسانها و تباهی گردیده اند.

مشکل عمده و مرکزی دولت پاکستان با افغانستان از همان آغاز ایجاد این دولت مسأله خط غیر مشروع و نام نهاد دیورند بوده که از موجودیت آن به صورت غیر قابل پذیرش و خلاف تمام نورمهای بین المللی و به اثر وضع که دولت پاکستان خلق کرده و پیگیرانه آنرا ادامه میدهد ۱۱۷ سال میگذرد. بلی این وضعیت، موجودیت خط غیر مشروع دیورند، حرص مادی و غیر انسانی نظامیان و جنرالان پاکستانی این کشور را به صورت پیگیر و دوامدار نه گذاشته است و نمی گذارد که دولت مستقل، قوی و متکی به خود را در افغانستان ببیند و یا ببزیرد.

زمامداران و پالیسی سازان اصلی پاکستان گاهی با بوجود آوردن نیروهای مخالف مسلح افغانستان و گاهی هم با استفاده از مبارزات و مبارزین برحق مردم افغانستان در طول تاریخ موجودیت خویش استفاده های نامشروع برده اند و میبرند.

زمانی و در بخش از کشور های غربی و به نظر بعضی از محللین سیاسی تأکید برین بوده که روش حکومت ملکی امروزی حاکم در پاکستان از خط و روش پالیسی سازان اصلی پاکستان (ای اس ای) جدا است. چنانچه مسؤلین مهم امنیتی و سیاسی حکومت امروزی پاکستان بعد از به قدرت رسیدن آقای آصف علی زرداری در پاکستان به این موضوع صریحاً اعتراف داشته اند (از جمله سفیر پاکستان در امریکا در حدود شش ماه قبل در مصاحبه به رادیو صدای امریکا - بخش پشتو). واقعیت چنین است که ای اس ای پاکستان در مورد مهم و اساسی تمام معلومات و برنامه های شان را در اختیار حاکمین ملکی قرار نمی دهند و مانند دولت در بین دولت مستقلانه عمل میدارند و زمانی هم برای تحقق بخشی از برنامه های خویش از دولت ملکی استفاده برده و زمانی هم جنرال متقاعد حمید گل را سخن گوی خویش ساخته و گفتنی های خویش را از دهن وی برای جهان به نمایش میگذارند.

بخشی از محللین سیاسی تأکید برین دارند که گویا غرب نباید این متحد خویش را یعنی حکومت ملکی پاکستان را با برخورد ها غیر حساس از خود براند. تأکید برین بوده که گویا پاکستان سهم فعال در مبارزه بر علیه افراطیگری را دارد.

مسلم این است که قربانی تجاوز و افراطی گری مردم این خطه و مردم صلح دوست جهان اند. اما پالیسی سازان و تاجران خون و نفرت همیشه ازین وضع به شمول حکمای پاکستانی منفعت مادی بس عظیم برده اند و میبرند. بلی اینها بسیار ماهرانه و استادانه از جامعه جهانی و در رأس امریکا با پرچون فروشی متاع به نام اکستریمیزم و افراطی گری جزیه میگیرند.

سوال اینجا است که آیا عملیات نظامی مسلحانه بی سر و بی پاء نظامیان پاکستان در مناطق معیین قبایلی پشتونستان که قبل از همه به کشتن، بستن و خانه خرابی های انسانهای بی گناه انجامیده و این تیاتر نظامیان پاکستان سبب شده تا

هزاران انسان بی گناه از خانه و کاشانه شان رانده شده، و این نظامیان پاکستانی توانسته اند هر حرکت و شخصیت ملی و وطن خواه مردم پشتون و بلوچ را تحت نام و بهانه مبارزه علیه تروریسم سرکوب کرده و هر حرکت و شخصیت که خارج از چینل و مسیر پاکستان به مذاکره و تفاهم نیک بین خویش و یا جانب افغانی حاضر و یا تمایل نشان داده است ترور و یا زندانی گردیده و را میتوان مبارزه علیه تروریسم و اکسترمیسم نامید؟ به برداشت و تحلیل من نه این جزء پیگیری اهداف ستراتیژیکی پاکستان و پُرکردن جیب های حکما آن کشور چیزی دیگری نیست.

سوال مطرح است تاکی این سیاست دورویه، سیاست فریب کارانه پاکستان ادامه خواهد داشت و مردم منطقه و جهان قربانی خواهند داد؟

کی و بلاخره چه زمانی به این تجارت اشک و ماتم، خون و قتل که قربانیان آن مردم بی گناه منطقه و جهان اند و توسط نظامیان پاکستان ماهرانه به پیش برده میشود، خاتمه داده خواهد شد؟

چی وقت نقاب ها ازین چهره ها برداشته خواهد شد؟ ورسالت ما درین راستا چی است؟ چی کارهای است که باید اجرا شود چی وقت ازین تجارت غیر انسانی جلوگیری میشود؟ این و دهها سوال که بدون جواب دقیق و درست به آن ادامه تراژییدی مردم ما، مردم صلح دوست جهان و مردم بی گناه منطقه ما خواهدبود.

بلی افغانی ساختن مسأله افغانستان و حل مسایل افغانی توسط خود افغانها یکی از راز های سخن و حل مشکل است که پاکستان آنرا نیز درک کرده و با ایجاد موانع در برابر تحقق آن نمی گذارد مشکل افغانستان، منطقه و صلح کماحقه و هرچه زودتر بدون اولویت دادن و بدون حفظ اهداف ظالمانه دولت پاکستان حل گردد.

آیا با وجود سیاست به جان انداختن افغانها و تشدید جنگ و برادر کشی در منطقه و افغانستان، میتوان دولت پاکستان را متحد خوب انسانیت و عضوی نیک جامعه نیک بشری دانست و یا خواند؟ جواب من به صورت قطع واضح است که نه.

بلی پالیسی سازان پاکستان با فریب و نیرنگ و داشتن کدر کافی در حلقات مختلف دولتی افغانستان و محلات به غرب و جامعه جهانی فریب میدهد. بلی پاکستان به کشور های جهانی و تأثیر گذار در سیاست جهانی در رأس ایالات متحده امریکا با فریب تأکید دارد: که شما در منطقه باقی نه خواهید ماند و ما باید برای روز مبادا باید نیرو های معین حتی خارج از چوکات دولتی را در اختیار داشته باشیم که مانند ژندارم منطقه از آنها در برابر روس، ایران و یا هم هر حرکت که لازم باشد استفاده بداریم.

مقاومت و مخالفت صریح چندی قبل صدراعظم برحال پاکستان در برابر تدویر محاکمه سازمان دهان اعمال تروریستی سال گذشته در هند که حلقات رهبری ای اس ای پاکستان را تشکیل میدهند، ایجاد موانع در تأمین صلح و مساعدت به امر ترور و دهشت نه به خاطر تحقق اهداف انسانی بلکی بخاطر تحقق اهداف ستراتیژیک شان در افغانستان و منطقه، و اخیرا تلاش پاکستان برای کسب سهم بیشتر در سرنوشت افغانستان، ترور و زندانی ساختن افراد و شخصیت های که برای تفاهم و مذاکره بین الافغانی خارج از چینل های پاکستانی اظهار آمادگی و عمل نموده اند، و بالاخره تلاش های اخیر مبنی بر ممانعت از تشکیل نیرو های نظامی و متکی به خود شدن افغانستان و بلاخره افغانی شدن مسایل و حل افغانی مسایل نمونه های از عمل کرد های است که بر ادامه سیاست فریب و اغواگری پاکستان در برابر افغانستان و جامعه جهانی به صورت صریح دلالت میکند.

بلی پیشنهاد و طرح اخیر پاکستان مبنی بر استفاده و به کار گیری نیرو های مسلح کشور های اسلامی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ تلاش است که اهداف نادرست و سیاه حلقات نظامی پاکستان را در قبال افغانستان کما کان در بردارد. نقطه مرکزی و هدف اساسی این طرح پاکستان در واقعیت تلاشی است برای در حاشیه قراردادن برنامه و تشکیل، نیروی مسلح افغانی. نیروی که به فهم پاکستان در مراحل بعدی از حقوق حقه مردم خویش دفاع کرده خواهد توانست. نیروی که نخواهد گذاشت اهداف شوم دشمنان وطن در افغانستان موفق شود. نیروی که از اولاد وطن، مصالح و منافع کشور ما دفاع کند....

شواهد مؤثق در دست است که با پول های کمک شده غرب برای پاکستان تحت نام مبارزه علیه تروریسم پاکستان توانست سلاح های متنوع و راکت های با بُرد که سرحدات بخشی از کشور های شرق میانه و از جمله اسرائیل و عربستان سعودی میرسد، تهیه داشته و در اختیار دارد. اگر قرار باشد که امنیت پاکستان توسط کشور هند رقیب وی تحت خطر قرار میگیرد باید گفت که هند همسرحد پاکستان است، پس ساختن، انکشاف و بکار گیری ممکن این راکت های پاکستانی با این بُورد طولانی چه ارتباط به مبارزه علیه تروریسم و حمایه ای شان از خطر هند دارد؟

تحلیل های معین سیاسی تأکید دارند که سلاح ائومی پاکستان در واقعیت سلاح ائومی عربستان سعودی و این راکت های پاکستان برای حفاظت و در واقعیت راکت های اند برای اهداف عربستان سعودی. تصادفی هم نیست که حلقات معین حکومتی در عربستان سعودی در تلاش بازگرداندن آقای نواز شریف بر اریکه قدرت در پاکستان اند.

بلی پاکستان همچنان تلاش را برای رهبری و زعامت منطقوی و به نحوی زعامت جامعه اسلامی کار میکند و درین راستا تلاش دارد که ضرورت موجودیت و اهمیت خویش را با در تشنج باقی ماندن منطقه و جهان حفظ کند.

در حالیکه عده از رهبران سیاسی آن کشور (آقای نواز شریف صدراعظم و خت پاکستان) به از بین بردن و تارمار ساختن اردوی افغانستان در سالهای نود قرن گذشته علنا مباحث داشته و ازین کار کرد خود به نفع پاکستان بهره برداری کردند.

به فهم من بر مسوولین امور در افغانستان و آنهائیکه برای منافع و مصالح کشوری میانداشند و در افغانستان خواهان پایان دادن جنگ و ماتم اند و نمی خواهند دست شان دیگر به خون مسلمانان و اولاد وطن آغشته باشد، است تا اردوی ملی، غیر سیاسی که متشکل از تمام اقشار و ملیت های مردم افغانستان باشد ایجاد بدارند. اردوی که غیر سیاسی و غیر قومی و برای دفاع از منافع و مصالح کشور ایجاد و تقویت گردد. اردو و قوای مسلح که دستاگیر مراجع مشروع سیاسی کشور را برای حفظ و نگهداری کشور و حمایه قانون و حاکمیت مردم تحقق و در عمل پیاده بدارد.

اردوی و مراجع امنیتی کشور باید توسط افراد رهبری شوند که مردم به وطن دوستی و خدمت گاری شان برای افغانستان معتقد باشند. مسلم است عده که در رهبری این ادارات به عملی کردن ستراتیژی های حزبی و سمتی خویش مصروف اند میتوانند ضرر های را به کشور و مراجع امنیتی و نظامی کشور مواجه سازند که مشروعیت این ادارات را مورد سوال قرار داده و برای اهداف دشمنان و خاصتا پالیسی سازان پاکستانی عملا خدمت خواهند کرد. ضرورت است تا برای ساختن جامعه مدنی و قوای امنیتی و اردوی کار کرد که بر اساس تابعیت، مراعات قانون و شایسته و مسلکی بودن خدمت نمایند.

مردم ما چشم و گوش باز، درایت کافی و فهم لازم سیاسی دارند و به دقت درک خواهند کرد که کی ها درین راستا با روش های غیر وطنی در خدات حلقات خورد قومی و سمتی کار مینمایند و زمینیه را برای اجانب و دشمنان افغانستان در سطح ملی و بین المللی آماده میسازند. این نیرو ها و افراد نتایج عمل کرد های بد و نافرجام خود را خواهند یافت. نزد الله تعالی و مردم منفور خواهند شد.

بلی جهان روز به روز کوچک شده و همه ای ما به یک دیگر ضرورت داریم. ما از مساعدت های کنفرانس کشور های اسلامی استقبال و خواهان مساعدت کشورهای اسلامی میباشیم، اما بخش از وظایف است که بلاخره باید خود افغانها اجرا و عمل بدارند و خود به پای خود استاده شده، مالک کشور خویش گردند. بلی مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است و تفاهم نیرو های واقعی سیاسی بر زندگی مشترک در خانه مشترک است بدون تخطی از اصول و برنامه های برحق ما باید صورت گیرد. ما تازمانیکه برای این امر صادقانه کار نه نمایم مشکل ما حل نه شده و کاری به جای نه خواهیم رسانید.

بر ماست تا حقایق را درک کرده، دشمنان وطن را شناسایی و به موقع دسایس شان را در هر قماش که باشند افشاء و دریک صف واحد برای اهداف مشترک وطنی کار و ادای رسالت نمایم.

بر ماست تا قبل ازینکه از اعمال و برنامه های شوم و غیر انسانی دیگر ان شکایت کنیم باید خود را جمع و جور ساخته به نیروی مبدل گردیده و به تراژی دیدی کشور و مردم خود پایان بخشیده و ممد صلح جهانی گردیم. فاعتبروا یا اولابصار

درونووطنوالو اوقدرمنو لوستونکو! تاسی کولای شی دپاکستانی دراصلی پالیسی سازانو د دوه مخه سیاسیت په هکله د امریکا غبر آشنا رادیو د ۲۰۱۱/۰۱/۱۵ نیټی دماښامانی، خبرواترو- پروگرام په برخه کې دډاکټر صلاح الدین سعیدی- سعیدافغانی مصاحبه هم واورئ.

<http://www.voanews.com/wm/voa/sca/pash/pash1430aSAT.asx>.